

دو کمپین مشکوک هم‌زمان در فضای مجازی مشغول فعالیت است

پروژه‌بگیران توویتر، ضد امنیت ملی



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

در روزهای اخیر دو جریان مجزا اما با خروجی مشترک در توئیتر فارسی شکل گرفت که اگر سازمان‌های اطلاعاتی‌ای چون سیا و موساد تصمیم می‌گرفتند پروژه‌ای مشترک برای یی‌ثبات‌سازی روانی ایران طراحی کنند، دقیقاً همین دو مدل را انتخاب می‌کردند. یکی پروژه «عادی‌سازی تهدید مقامات عالی‌رتبه» که در قالب بحث‌هایی درباره «جانشینی» اجرا شد و دیگری هجمه به دیپلماسی رسمی کشور و تخریب چهره‌های مجری این دیپلماسی، تحت عنوان «پذیرش صلح تحمیلی». یکی جایگاه مقامات عالی‌رادر ذهن مخاطب تخریب می‌کرد و دیگری، اعتبار نظام در عرصه جهانی را هدف می‌گرفت. این پروژه‌ها با ظاهر ژورنالیستی، توئیتری و گاهی حتی شبه‌روشنفکرانه به میدان آمدند، اما چنان با اهداف دشمنان هم‌پوشانی داشتند که اگر کسی ادعا کند از آن‌سوی مرزها خط گرفته‌اند یا حتی ریشه‌هایشان به آنجا می‌رسد، چندان گراف به نظر نیاید. اگر امروز با ساده‌انگاری یا بی‌تفاوتی از کنار این عملیات‌ها عبور کنیم، دقیقاً همان پازلی را تکمیل کرده‌ایم که از تل‌آویو تا واشنگتن برای خلق ایرانی‌بی‌لنگر، بی‌غرور و بی‌وحدت برنامه‌ریزی شده است.

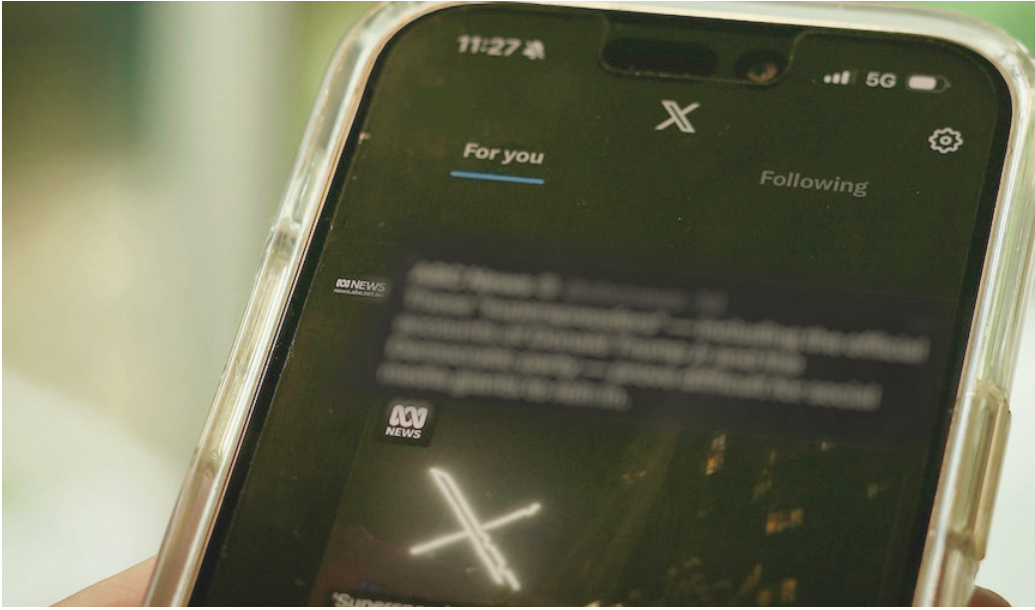
■ ■ ■

■ **عادی‌سازی تهدید با روکش جانشینی**

از مختصات روزگار کنونی، کمپین‌هایی است که در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و بدون هزینه زیاد، مطالبات مشخصی را مطرح می‌کنند. در سمت دیگر، همین کمپین‌ها می‌توانند افکار عمومی یا حتی یک نظام سیاسی و اجتماعی متمرکز را به بدترین شکل به هم بریزند. دو موجی که این روزها ترند توئیتر شده‌اند از نوع دوم‌اند.

در نگاه اول، شاید به نظر برسد عده‌ای صرفاً نظرشان را درباره شخصیت سیاسی‌ای که سال‌ها رئیس‌جمهور بوده، بیان می‌کنند. اما وقتی یک‌باره صداها اکانت هم‌زمان شروع به مطرح کردن ایده «جانشینی» می‌کنند، آن‌هم‌نه‌در قالب تحلیلی حقوقی و ساختارمند، بلکه در فضایی احساسات‌زده و به‌ظاهر فرهنگی، در شرایطی که مقامات عالی‌جامعه تهدید به ترور شده‌و آن‌هم مجدداً در موقعیتی جنگی، باید فهمید که با یک پدیده تصادفی طرف نیستیم. اینجا دیگر بحث «حسن روحانی» یا هر شخص دیگری نیست؛ بحث این است که در ذهن مخاطب ایرانی، ایده‌ای را بکارند که ترور را در ناخودآگاهش عادی جلوه‌دهد. وقتی گفته می‌شود فلاّی «جانشین» می‌شود، یعنی پذیرفته می‌شود که «جای خالی» به‌زودی ممکن است پیش بیاید. این یعنی تلاش می‌شود پروژه تهدید و حذف فیزیکی، از نظر ذهنی به جامعه فهمانده شود. رهبری در جمهوری اسلامی، طبق قانون اساسی، بالاترین مسئول راهبردی و دفاعی کشور است؛ نه فقط در مسائل نظامی که در مسائل کلان هدایت‌کشور همچون سیاست خارجی و...

آیت‌الله خامنه‌ای نه‌تنها رهبر نظام، بلکه نماد ایستادگی و استقلال ملت ایران است. ایشان در شرایطی رهبر کشورند که ایران در میانه یک جنگ تمام‌عیار ترکیبی قرار دارد. حال، عده‌ای در چنین شرایطی به‌جای مطالبه



تحمیلی»، «غنی‌سازی، حق مسلم ماست، نه لیخند به دشمن!»، «شهد دادیم که عزت داشته باشیم، نه اینکه دیپلماسی تحمیلی راه بیفتد!»، «برخی دارن ۲۰ سال دستاورد رو حراج می‌کنن».

این‌ها بخشی از محتواهای کمپین دوم است که در ظاهر رنگ غیرت و مقاومت دارد، اما باطنش دقیقاً همسو با پروژه دشمن است. موضوع روشن است. کسی نگفته ما به دشمن اعتماد کردیم، کسی نگفته ما حق غنی‌سازی یا بازدارندگی را کنار گذاشتیم. اساساً ایران از همان ابتدای دفاع ۱۲روزه، موضوعش را شفاف، آن‌هم از زبان رهبر انقلاب اعلام کرد: «ایران نه زیر بار جنگ تحمیلی می‌رود، و نه صلح تحمیلی را می‌پذیرد.» این اصل نه فقط یک شعار، بلکه راهبرد حکومتی است.

رهبر انقلاب بارها فرمودند که صلح، زمانی عزتمند است که پس از مقاومت و از موضع اقتدار باشد، نه در اثر فشار، تطمیع یا فریب. مگر اتفاقی که افتاد چیزی جز این بود؟ آمریکا، اسرائیل و متحدان‌شان وقتی دیدند در عملیات «وعده صادق ۳» زمین‌گیر شدند، و فهمیدند ایران آماده عبور از مرزهای بازدارندگی است و جرت هدف‌گیری مهم‌ترین پایگاه‌شان را دارد، خودشان پیشنهاد آتش‌بس دادند. باز هم ایران با هوشمندی پذیرفت که آتش‌بس یعنی توقف مشروط؛ نه صلح، نه سازش. آتش‌بس یعنی: «ما فعلاً نمی‌زنیم، اما اگر دست از پا خطا کنید، دوباره می‌زنیم».

اما در همین لحظه حساس، اکانت‌هایی با ظاهر انقلابی، شروع کردند به حمله به دستگاه دیپلماسی، به مذاکره‌نگدان و به چهره‌های مثل عراقچی.

چرا؟ چون باید همبستگی ملی شکسته شود. چون دشمن از قدرت ایران در میدان، بیش از قدرتش در میز مذاکره می‌ترسد. این‌ها دارند همان کاری را می‌کنند که ترامپ و کارگرش نتانیاهو با B۲ و F۳۵ و بمب‌های چندنتی از پشش برنیا‌مند: «ایجاد شکاف بین ملت و حاکمیت.»

طراحی اسرائیل برای اخلال درزندگی روزمره مردم و ایجاد آشوب اجتماعی شکست خورد

نمرهٔ قبولی به آرایش جنگی دولت

جنگ‌ها، در دنیای مدرن، تنها به میدان‌های نبرد فیزیکی محدود نمی‌شوند. در کنار مدیریت نظامی و استراتژیک، حفظ ثبات داخلی و مدیریت زیست اقتصادی و روزمره مردم یکی از مهم‌ترین چالش‌های دولت‌ها در زمان بحران است. هدف اصلی دشمنان در بسیاری از جنگ‌های معاصر، نه‌تنها تضعیف توان نظامی، بلکه ایجاد آشوب داخلی، ناراضیاتی اجتماعی و فروپاشی اقتصادی از طریق القای ترس و مختل کردن زنجیره تأمین نیازهای اساسی مردم است. در جنگ ۱۲ روزه اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی، این راهبرد به صریحاً توسط نتانیاهو نیز به آن اذعان شد در دستور کار رژیم صهیونیستی قرار داشت. این رژیم با طراحی حملات هدفمند به زیرساخت‌های اقتصادی و روانی ایران، تلاش کرد با ایجاد حس کمبود و هراس، فضای داخلی کشور را به سمت آشوب و ناآرامی سوق دهد. جنگ ۱۲ روزه اخیر، آزمونی بزرگ برای تاب‌آوری ایران در برابر فشارهای نظامی، اقتصادی و روانی بود. دولت چهاردهم با مدیریت هوشمندانه و منسجم، نه‌تنها از بروز بحران‌های داخلی جلوگیری کرد، بلکه توانمندی‌های ایران در حوزه‌های مختلف از جمله تأمین سوخت، جابه‌جایی کالاهای اساسی، فعالیت بنادر و بازسازی زیرساخت‌ها را به نمایش گذاشت. در مقابل، رژیم صهیونیستی که باهدف فروپاشی داخلی ایران وارد این جنگ شده‌بود، خود با مشکلات عدیده‌ای از جمله توقف فعالیت پالایشگاه‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی مواجه شد. عملکرد دولت ایران در این جنگ، نمونه‌ای برجسته از توانایی یک نظام در وقف دادن خود با شرایط تحمیلی و حفظ ثبات داخلی در برابر تهدیدهای خارجی است. تلاش برای بازسازی سریع زیرساخت‌ها مانند فاز ۱۴ پارس جنوبی و فعالیت عادی و حتی سریع‌تر بنادر و ناوگان حمل و نقل عمومی، نشان‌دهنده ظرفیت بالای ایران در مدیریت بحران است. صحبت مداوم مقامات دولتی با مردم نیز م‌زیت دیگری بود که باعث می‌شد این حس به جامعه منتقل نشود که با وقوع جنگ اوضاع از کنترل خارج شده و فضای هرج‌ومرج در پیش روی کشور است. این دستاوردها، درس‌های ارزشمندی برای آینده ارانه و نشان می‌دهند با برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی می‌توان در برابر چالش‌های پیچیده جنگ‌های مدرن ایستادگی کرد. سوخت آشوب تأمین نشد. یکی از مهم‌ترین اهداف رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه، ایجاد اختلال در زنجیره تأمین سوخت ایران بود، این رژیم با حملات هدفمند به انبارهای سوخت، از جمله انبار نفت شهران در تهران، مخزن گاز پالایشگاه شهرری و یخشی از فاز ۱۴ پارس جنوبی، تلاش کرد با ایجاد کمبود سوخت، حس ناامنی و هراس را در میان مردم ایران القا کند. این حملات باهدف فلج کردن چرخه اقتصادی و ایجاد ناراضیاتی اجتماعی طراحی شده بودند. بااین حال دولت ایران با مدیریت صحیح و واکنش سریع موفق شد این تهدیدها را مهار کند. در روزهای ابتدایی جنگ، افزایش ناگهانی تقاضا برای سوخت به دلیل نگرانی‌های عمومی، به تشکیل صف‌های در برخی جایگاه‌های سوخت منجر شد. اما برخلاف انتظار دشمن، این صف‌ها نه‌تنها به آشوب منجر نشدند، بلکه به‌سرعت مدیریت شدند. دولت با مدیریت ساختار سه‌په‌ی‌بندی سوخت توانست عرضه سوخت را در سراسر کشور پایدار نگه دارد. هیچ‌گونه قطعی گسترده در تأمین بنزین، گازوئیل یا گاز طبیعی گزارش



نشد. این در حالی بود که رژیم صهیونیستی با مشکلات عدیده‌ای در تأمین سوخت مواجه شد. توقف فعالیت پالایشگاه حیفا، بزرگ‌ترین پالایشگاه این رژیم، به دلیل حملات متقابل، زنجیره تأمین سوخت در سرزمین‌های اشغالی را به‌شدت مختل کرد.

■ **شکسته‌شدن رکورد جابه‌جایی کالاهای اساسی**

یکی از شاخص‌ترین دستاوردهای دولت ایران در جنگ ۱۲ روزه، حفظ فعالیت بنادر کشور و جابه‌جایی بی‌وقفه کالاهای اساسی بود. بنادر ایران در این مدت نقش حیاتی در تأمین نیازهای اساسی مردم ایفا کردند. وزیر راه و شهرسازی در اظهاراتی اعلام کرد در طول این ۱۲ روز، حدود یک‌میلیون تن کالای اساسی از بندر امام جابه‌جا شده که رکوردی بی‌سابقه محسوب می‌شود. این دستاورد در شرایطی به دست آمد که دشمن با حملات سایبری و نظامی تلاش داشت تا زنجیره تأمین کالاهای اساسی را مختل کند. فعالیت بنادر ایران در این دوره نه‌تنها متوقف نشد، بلکه با سرعت و کارایی بیشتری ادامه یافت. این امر نتیجه هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف و استفاده از زیرساخت‌های مقاوم در برابر حملات بود. در مقابل، بنادر رژیم صهیونیستی، به‌ویژه بندر حیفا، به دلیل حملات متقابل و ناامنی‌های داخلی، با کاهش شدید فعالیت مواجه شدند درحالی‌که فروشگاه‌های سرزمین‌های اشغالی نیز تحت تأثیر هجوم شهرکنشینان به‌سرعت از کالاهای اساسی خالی می‌شدند.

■ **تداوم خدمات حمل‌ونقل**

یکی دیگر از حوزه‌های موفقیت‌آمیز مدیریت بحران در ایران، حفظ فعالیت

برخی منابع توقف فعالیت بخش‌هایی از زیرساخت‌های رژیم صهیونیستی را چندماه تخمین می‌زنند. این امر در حالی صورت می‌گیرد که آمریکا برای بازسازی زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی رژیم صهیونیستی کمک‌های چندمیلیاردلاری ارائه می‌دهد. توقف فعالیت این زیرساخت‌ها، نه‌تنها اقتصاد این رژیم را تحت‌فشار قرار می‌دهد بلکه به‌مرور به بروز ناراضیاتی اجتماعی نیز منجر خواهد شد که در همین روزهای ابتدایی آتش‌بس در سرزمین‌های اشغالی ازسرگرفته شده است.

■ **روایت ترس باطل شد**

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت ایران در جنگ ۱۲ روزه، حفظ آرامش عمومی و جلوگیری از شکل‌گیری حس هراس و ناامنی بود. برخلاف سرزمین‌های اشغالی که با خالی‌شدن فروشگاه‌ها، افزایش قیمت‌ها و درگیری‌های داخلی مواجه شدند، در ایران هیچ‌گونه صف طولانی یا به‌هم‌ریختگی در فروشگاه‌ها برای ذخیره آب و کالاهای اساسی گزارش نشد. خدمات آب، برق و گاز بدون وقفه به مردم ارائه شد و این امر به حفظ حس عادی بودن زندگی روزمره و جلوگیری از القای هراس بیش از اندازه به جامعه کمک کرد. دولت چهاردهم با اتخاذ آرایش جنگی مناسب در مدیریت زیست اقتصادی و اجتماعی نیز عملکردی قابل‌تقدیر داشت. این عملکرد، نتیجه هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف و بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی بود. در مقابل، رژیم صهیونیستی که امیدوار بود با فشار اقتصادی و روانی، ایران را به‌زانو درآورد، خود با بحران‌های داخلی متعددی مواجه شد.

■ **بومرنگ به صورت نتانیاهو خورد**

برخلاف انتظار رژیم صهیونیستی که امیدوار بود با ایجاد بحران نظامی، فضای داخلی ایران را به سمت آشوب سوق دهد، این سرزمین‌های اشغالی بودند که با ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی مواجه شدند. با اعلام آتش‌بس، ساکنان شهرک‌های اشغالی به خیابان‌ها آمدند و علیه سیاست‌های بحران‌آورین دولت خود اعتراض کردند. یکی از مطالبات اصلی معترضان، ازسرگیری دادگاه بررسی فسادهای مالی بنیامین نتانیاهو بود. دادگاهی که البته با حمایت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، متوقف شد. تهدید ترامپ به قطع کمک‌های مالی آمریکا در صورت برگزاری این دادگاه باعث شد که یک مهلت چند هفته‌ای به نتانیاهو داده شود. مهلتی که احتمالاً فرصتی خواهد بود تا نخست‌وزیر بحرانی‌ری اسرائیل برای تداوم حیات سیاسی خود یک کارزار نظامی دیگر در منطقه راه انداخته یا حتی ورودرویی مستقیم با ایران را به همراه آمریکا در دستور کار قرار دهد. اعتراضات در سرزمین‌های اشغالی در حالی شکل گرفت که در ایران علی‌رغم بسیج‌شدن اپوزیسیون و شبه‌رسانه‌های فارسی‌زبان وابسته به اتاق جنگ اسرائیل هیچ‌گونه تجمع یا ناآرامی خیابانی شکل نگرفته است. مدیریت صحیح دولت ایران در تأمین نیازهای اساسی، حفظ خدمات عمومی و بازسازی سریع زیرساخت‌ها، از بروز ناراضیاتی اجتماعی تا حد زیادی جلوگیری می‌کند.